

(۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲)، پرهیز از طلب احادیث گمراه‌کننده پیش از دست‌یابی به توان فهم درست حدیث (۱۱ و ۱۲)، لزوم پیروی افراد کم‌دانش از بزرگان (۱۳)، لزوم مقابله بزرگان با تفسیر دین توسط افراد کم‌دانش (۱۳)، پرهیز از عرضه خود به مردم پیش از رسیدن به دانش کافی (۱۶) و لزوم مراجعه به استاد برای یادگیری روش فهم حدیث و حل اشکالات (۲۱).

ج) نویسنده، پندهای خود را در قالب نقل قول‌های دیگران آورده و از زبان خویش مطلبی بیان نکرده است. این روش نیز مانند بقیه روش‌های به‌کاررفته در کتاب، جنبه تربیتی دارد. در حقیقت، خطیب، خواسته به مخاطبان بیاموزد که چگونه بر سخنان بزرگان، تکیه کرده و حتی برای حرف‌های درست خویش به دنبال مستندی از دانشمندان بگردند.

۳) اهمیت اجازه حدیث در دوران گذشته

رسول طلائیان^۳

مهدی لاهیجی^۴

اجازه حدیث در روزگار پیشین، دروازه ورود به قلمرو نشر حدیث بود. حتی کسانی که از این دروازه وارد شده بودند، برای ادامه کار، نیاز به اجازه‌های گوناگونی داشتند. این گواهی علمی، چنان اهمیت داشت که بزرگان حدیث هم نیازمند آن بودند. شیخوخیت، فقاہت و استادی برخی از محدثان، موجب بی‌نیازی آنها از اجازه و حتی اجازات موردی نمی‌شد.

نمونه این اهمیت، در برخورد احمد بن محمد بن عیسی اشعری (شاگرد امام جواد و امام هادی علیهما السلام) با روایات حسن بن محبوب از ابوحمزه ثمالی دیده می‌شود. حسن بن محبوب از اساتید و بزرگان حدیثی شیعه، صحابی امام رضا علیه السلام، فقیهی شناخته شده، مورد اعتماد و کثیر الروایه بود.^۵ ابوحمزه ثمالی هم به عنوان صحابی امام سجّاد، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام جایگاهی شبیه به حسن بن محبوب داشت.^۶ طبقه روایی این دو استاد بزرگ حدیث، به گونه‌ای نبود که حسن بن محبوب بتواند از ابوحمزه نقل حدیث کند؛ چراکه ابوحمزه در سال ۱۵۰ ق و حسن بن محبوب در سال ۲۲۴ ق و در سن ۷۵ سالگی درگذشتند. بنابراین ابن محبوب برای نقل روایات ابوحمزه، باید به سراغ کتاب‌های او برود.

۳. پژوهشگر حوزه علمیة قم.

۴. پژوهشگر حوزه علمیة قم.

۵. ن. ک: الفهرست، ص ۹۶، ش ۱۶۲.

۶. ن. ک: فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۱۵، ش ۲۹۶.

در آن دوران اینگونه نبود که هر کسی کتابی را برداشته و به نقل حدیث بپردازد؛ بلکه روایت کردن از کتاب، نیازمند اجازه‌ای مستقل از اساتید بود. باید کسانی که شاگرد ابوحمزه بودند و یا از شاگردان او اجازه نقل کتاب‌هایش را داشته و این آثار را با نسخه‌ها و مستنسخانش می‌شناختند، اجازه نقل حدیث را صادر می‌کردند.

همه این تشریفات برای آن بود که نسخه‌های مدسوس یا دست‌کاری‌شده، جای نسخه‌های اصیل را نگرفته و روایات شیعه از آسیب جعل و تحریف در امان بماند. همچنین این دقت‌ها از آن رو بود که هرکسی نتواند با مراجعه به کتاب‌های حدیثی، برداشت نادرست خود را به دین نسبت دهد.

حسن بن محبوب، اجازه نقل از کتاب‌های ابوحمزه ثمالی را دریافت کرد؛ ولی باید بر اساس روال مرسوم، آن را ذکر می‌کرد. گویا او نیازی به ذکر اجازه خود نسبت به نقل این کتاب‌ها ندید. احمد بن محمد بن عیسی اشعری هم که در زمان وی زندگی می‌کرد و شیخ و فقیه قمیون بود، روش وی را برنرفته، روایت از او را ممنوع اعلام کرد. این ممنوعیت تا زمانی که برای ابن عیسی ثابت شد، حسن بن محبوب از نسخه‌های اصیل، روایات ابو حمزه را با اجازه نقل کرده، ادامه داشت. پس از اینکه اجازه حسن بن محبوب برای بزرگ قمیون ثابت شد، اجازه نقل روایات او را داد.^۷

منابع

۱. استقصاء الاعتبار، محمد بن حسن ابن شهید، تحقیق موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۱۹ق.
۲. فهرس اسماء مصنفی الشيعة، احمد بن علی نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، پنجم، ۱۴۱۶ق.
۳. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۷ق.

۷. ن. ک: فهرس اسماء مصنفی الشيعة، ص ۸۱، ش ۱۹۸؛ استقصاء الاعتبار، ج ۲، ص ۱۴۶ و ج ۵، ص ۱۳۵.